

اصل مصلحت در نظام قانون‌گذاری اسلامی و تطبیق آن در حقوق خانواده (کتاب)

نویسنده خلاصه: سید علی حسینی نسب
نویسنده کتاب: محمدرضا مرادی پشت دربندی

چکیده

اصل مصلحت در نظام قانون‌گذاری اسلامی و تطبیق آن در حقوق خانواده کتابی در حوزه فقه المصلحة که به بررسی چگونگی تطبیق قاعده مصلحت در حقوق خانواده می‌پردازد. محمدرضا مرادی پشت دربندی نویسنده کتاب، با بیان مشروعیت مصلحت، کاربردهای آن و معیارهای مصلحت در صدور احکام حکومتی، و نیز ادله حجیت احکام حکومتی و ولایتی به بررسی اصل مصلحت در نظام قانون‌گذاری اسلامی پرداخته است. وی در این اثر بکارگیری مصلحت را با عناوین مختلفی مانند فلسفه تشریع احکام شرعی، دلیل استنباط احکام شرعی، قید متعلق احکام شرعی مورد بررسی قرار داده است. مرادی قسمت مهم این کتاب را به اصل مصلحت در اندیشه امام خمینی با تأکید بر حقوق خانواده اختصاص داده است. ولی در بخش پایانی که باید اصل مصلحت بر مسائل خانواده تطبیق شود هیچ نکته اساسی بیان نشده است و نویسنده به گزارش مطالبی درباره جایگاه خانواده در اسلام بسنده کرده است.

معرفی اجمالی و گزارش ساختار

کتاب اصل مصلحت در نظام قانون‌گذاری اسلامی و تطبیق آن در حقوق خانواده، کتابی فارسی در حوزه فقه المصلحة، نوشته محمدرضا مرادی پشت‌دربندی که به تطبیق مسئله مصلحت بر حقوق خانواده می‌پردازد. این کتاب توسط مؤسسه انتشاراتی آفتاب گیتی در سال ۱۳۹۹ ش انتشار یافته است. نویسنده، یکی از راه‌های پویایی فقه و به تبع آن جاودانگی دین اسلام را به وجود عنصر مصلحت مرتبط دانسته و معتقد است که فقه حکومتی مبتنی بر مصلحت است و این دو عنصر به دنبال وارد کردن دین به همه ساحت‌های زندگی از جمله حقوق خانواده هستند (ص ۱۰-۱۱).

کتاب که گویا در اصل پایان‌نامه بوده است مشتمل بر مباحث تکراری متعدد و اشتباهات فراوان تایپی است و بهره‌وری از آن را کاسته است.

ساختار

نویسنده، کتاب را در چهار فصل سامان بخشیده است. فصل اول کتاب، به مباحث مقدماتی و تعریف واژه‌ها و اصطلاحاتی همچون مصلحت، مفسده، احکام ثانویه، و خانواده اختصاص داده است (ص ۱۰-۱۴). در فصل دوم به مفاهیم و مبانی نظری در رابطه با مفهوم‌شناسی شریعت، فقه، اجتهاد و جایگاه مصلحت در مقام کشف و استنباط احکام نوین و صدور احکام حکومتی پرداخته است. (ص ۱۶-۱۰۸).

فصل سوم کتاب با عنوان اصل مصلحت در فقه و قانون‌گذاری اسلامی به مباحثی مانند جایگاه مصلحت در فقه امامیه، ویژگی‌های مصالح مرسله و قلمرو اعتبار آن در فقه شیعه،

مقایسه میان مصالح مرسله با حکم حکومتی، نقش مصلحت نظام در فقه اسلامی و ارتباط فقه و مصلحت و همچنین تکلیف و مصلحت اختصاص یافته است (ص ۱۱۰-۱۸۶).

در آخرین فصل کتاب نیز اصل مصلحت در اندیشه امام خمینی با تاکید بر حقوق خانواده بررسی می‌شود. در این بخش به مباحثی درباره مصلحت در ابعاد مختلف از جمله رابطه مصلحت و موضوعات احکام شرعی، مجمع تشخیص مصلحت، مصلحت عمومی، اصل مصلحت و نظام خانواده و ... سخن به میان آمده است (ص ۱۸۸-۲۸۶).

مفاهیم اصلی

نویسنده شریعت الهی را هدفمند دانسته و برای شریعت مقاصدی قائل است (ص ۲۵) که در بخش زیادی از آیات و روایات به آن‌ها اشاره شده است (ص ۳۱). نویسنده فقه و اجتهاد را نیز تعریف کرده و تقسیماتی نیز برای اجتهاد ذکر می‌کند. او مصلحت را به همان معنای خیر، صلاح و منفعت می‌داند (ص ۴۴). در بخشی از کتاب به رابطه مصلحت و ضرورت و ضرر توجه کرده (ص ۶۶) رابطه حکمت و مصلحت و نیز تفاوت مصلحت فقهی با مصلحت کلامی نیز بخشی از مطالب کتاب در توضیح مفاهیم اصلی است. تأثیر گذاری مصالح و مفاسد در تغییر احکام به احکام ولایی یا احکام ثانویه، تأثیر مصالح در بحث تراحم احکام نیز از مباحث این بخش است (ص ۷۵-۷۹). بخش مفصلی از کتاب به تعریف مصالح مرسله و سد ذاریع و جایگاه آن در فقه اهل سنت اختصاص داده شده و نویسنده نظر شیعیان در این باب را نیز آورده است (ص ۸۲-۹۹).

عنوان بخش دوم از فصل دوم، مصلحت و فقه است و نویسنده در آن پس از اشاره به قلمرو مصلحت در فقه مواردی از کاربریت مصلحت در فقه شیعه را نیز گزارش کرده است. و پس از تکرار بحث درباره حکم حکومتی، به جایگاه مصلحت در حوزه فقه زنان نیز اشاره کرده است (ص ۹۸-۱۰۸).

مبانی توجه به مصلحت در استنباط احکام

نویسنده مبنای توجه به عنصر مصلحت در استنباط احکام را تبعیت احکام از مصالح و مفاسد می‌داند. و توضیح می‌دهد که چون مصلحت امری فطری و عقلایی است و از سوی دیگر احکام شرعی ثابت و متغیر دارند و نیز به دلیل جاودانگی دین اسلام، و این که مصلحت ریشه در حسن و قبح عقلی دارد باید به مصلحت در استنباط احکام توجه داشت (ص ۴۶-۴۸). به باور او مصلحت پایه جعل و تشریع احکام شرعی، پایه مدیریت جامعه، و صدور احکام حکومتی است (ص ۵۰-۶۱). نویسنده تفاوت‌های حکم حکومتی با حکم شرعی را گزارش کرده و سپس نقش مصلحت در احکام حکومتی را بررسی کرده است (ص ۵۷-۵۸). وی برای صدور احکام حکومتی بر اساس مصلحت معیارهایی را بیان کرده است؛ از جمله به‌کارگیری مصالح برای تحقق اهداف متعالی اسلام، عدم مخالفت مصالح با احکام کلی شرعی، رعایت قانون اهم و مهم، و رعایت خبریت و کارشناسی (ص ۶۱-۶۶).

در فصل سوم که عنوان آن اصل مصلحت در فقه و قانون‌گذاری اسلامی است، نویسنده نخست جایگاه مصلحت در اصل تشریع را بحث کرده است و سپس به ارتباط کلمه مصلحت با واژگان سبب و ملاک و مناط اشاره می‌کند که می‌بایست در فصل پیشین قرار می‌گرفت.

بخشی از مطالب این فصل درباره احکامی است که مصلحت در متعلق حکم شرعی لحاظ شده است (ص ۱۱۶-۱۲۳).

نویسنده در فصل سوم در ذیل عنوان مصلحت به عنوان دلیل استنباط احکام شرعی دوباره باب بحث مصالح مرسله را باز می‌کند و پس از گزارشی از آراء اهل سنت و امامیه در مورد حجیت آن، آن را با احکام حکومتی و دلیل عقل مقایسه می‌کند و نتیجه می‌گیرد که در حکم حکومتی استنباط یا تشریع وجود ندارد و مسئله از باب تراحم است (ص ۱۴۰).

نقش مصلحت نظام در فقه اسلامی
مؤلف کتاب در ذیل بخشی با عنوان نقش مصلحت نظام در فقه اسلامی، ضمن تعریف چندباره برخی مفاهیم مثل مصلحت و ضرورت و حکم عقل و مانند آن، گزارشی از تقسیمات احکام به مولوی و ارشادی و ولایی و حکومتی درباره توان عقل در درک احکام شرعی بحث می‌کند، و در نقش عقل در شناخت احکام مولوی را انکار ولی در شناخت احکام ارشادی و امضایی را می‌پذیرد (ص ۱۴۳-۱۵۰). نویسنده پس از بحث‌های فراوان نتیجه می‌گیرد که حاکم اسلامی از باب تراحم و قاعده اهم و مهم می‌تواند برخی احکام را تغییر دهد (ص ۱۷۰-۱۷۱).

ادله حجیت احکام حکومتی و ولایی
به عقیده مرادی، حاکم اسلامی به حکم تخصصش در دین‌شناسی و آشنایی او با مقتضیات زمان و مکان، در اجرای دین مانند هر متخصص دیگری نظرش لازم الرعایه است و «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» ارشاد به این واقعیت است و همانگونه که تشخیص مصلحت توسط پزشک، مهندس و... از باب اطمینان حجیت عقلایی دارد، تشخیص مصالح و مفاصد و حصول اطمینان برای حاکم نیز برای جعل و ثبوت حکم آن کافی است و به همین دلیل رسول الله (ص) ولایت مطلقه دارد (ص ۱۵۳ تا ۱۵۸).

مصلحت در اندیشه امام خمینی
فصل چهارم کتاب به گزارش مصلحت در اندیشه امام خمینی و تطبیق آن بر نظام خانواده اختصاص یافته است. در این فصل مؤلف باز هم با ذکر مقدمات نظری مثل نسبت حق و مصلحت و تکلیف و تقسیمات احکام که بخش زیادی از آن در بخش‌های گذشته آمده است بحث را آغاز کرده است. نویسنده سپس درباره در بحثی با عنوان نقش مصلحت در تعارض احکام شرع، به تراحم احکام در حکومت‌داری می‌پردازد و مشخص نیست که چرا عنوان بحث را تعارض گذاشته است. و از همین رهگذر وارد بحث مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌شود و جایگاه آن را توضیح می‌دهد که در واقع جایگاه رهبری برای حل اختلاف دو نهاد قانون‌گذاری در ایران است (ص ۲۰۸-۲۰۰). ولی این بحث بیشتر به گزارش تاریخی شکل‌گیری مجمع تشخیص گذشته تا مباحث نظری و فقهی.

نویسنده ضمن بحث مفصلی درباره مصلحت عمومی نتیجه می‌گیرد که در نظر امام خمینی و فقهای شیعه مصلحت عمومی تنها در زمینه تعیین موضوعات احکام ثانوی کاربرد دارد (ص ۲۲۰). وی راه تشخیص این مصالح عمومی را مجمعی از کارشناسان و متخصصان دانش‌های مختلف می‌داند که تحت نظارت فقیه علم باشند (ص ۲۲۰-۲۲۶). نویسنده همچنین گزارش می‌کند که در ادبیات امام خمینی واژگانی مثل مصالح کشور، مصالح

مسلمین، مصلحت نظام، مصلحت اسلام و مانند آن به کار رفته است و نتیجه می‌گیرد که در ادبیات ایشان مصلحت مردم در کنار مصلحت اسلام مطرح است و با هم همراه هستند (ص ۲۳۶-۲۳۷).

به گزارش کتاب، حکم حاکم باید دائر مدار مصلحت باشد، و سازکار اعمال مصلحت نیز باید بر اساس قانون باشد، و توان تشخیص مصلحت خود یکی از معیارهای گزینش حاکم است (ص ۲۳۹-۲۴۱). به اعتقاد ایشان رهبری سیاسی جامعه اسلامی در زمان غیبت، از مناصب و وظائف ولی فقیه است که باید احکامی برای اداره امور و تدبیر جامعه اسلامی صادر کرده و طرحها و برنامه‌هایی را به اجرا برساند تا موجب پیشرفت مادی و معنوی جامعه اسلامی شود. او باید در طراحی و اجرای همه برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود مصلحت را مراعات کند و با مشورت کارشناسان و خبرگان امت آن را تشخیص دهد و یا تشخیص آن را به گروهی از کارشناسان امین و قابل اعتماد و وجیه‌الملة بسپارد. در ضمن باید مواظبت کند که این مصالح مخالف احکام شرعی نباشند (ص ۲۵۵-۲۵۸).

تطبیق اصل مصلحت بر نظام خانواده

در بخش تطبیقی کتاب که ناظر به تطبیق بحث مصلحت بر نظام خانواده است، نویسنده ابتدا صفحات زیادی را به تعریف خانواده و مباحث مرتبط با آن گذرانده که ارتباطی با بحث مصلحت ندارد (ص ۲۵۸-۲۷۵). تنها نکته مرتبط به بحث در این بخش از کتاب این است که اساس شکل‌گیری خانواده مبتنی بر اصل مصلحت جمعی است (ص ۲۷۷) و نویسنده درباره این اصل نیز توضیح خاصی نمی‌دهد. او البته به تفصیل بیان می‌کند که مجموعه‌ی قوانین حقوقی خانواده قبل از ازدواج تا تشکیل خانواده و حتی در مرحله‌ی جدایی، تحکیم حقوقی خانواده را تضمین می‌کند (ص ۲۸۲-۲۸۵).

